


Comparative Study of Legal Effects of Vegetative State in the Field of Private Law

Nahid safari*  Assistant professor of the university of Maragheh,
department of law, Maragheh, Iran

Abstract

Vegetative State is a type of brain damage that despite the death of the brain hemispheres, the brain stem continues to work. In this situation, the patient has no mental and cognitive function and is not able to consciously communicate with the environment. Due to the lack of relevant laws in this area in most legal systems, the legal aspects of this situation have not been adequately explained. The issue of the life or death of these patients is one of the important issues for explaining the legal status of patients in a vegetative state. In this study, according to the religious and jurisprudential concept of death according to the sanctity of the right to life and with the similarity with the regulations governing the incapacity, the view of being alive has been accepted and according to this view and with a comparative approach, the legal effects of vegetative state has been analyzed. The selection of a guardian and trustee and the transfer of financial affairs to them, the possibility of seeking divorce due to circumstances created by the spouse in a vegetative state, and the termination of personal contracts are the most important legal effects that have been accepted in this study.

Keywords: Vegetative State, Legal Status, Contracts, Property, Death, Life.

* Corresponding Author: Andishe.ns@gmail.com

How to Cite: Safari, N. (2023). Comparative Study of Legal Effects of Vegetative State in the Field of Private Law. *Private Law Research*, 11(42), 109- 143. doi: 10.22054/JPLR.2023.57780.2513

مطالعه تطبیقی آثار حقوقی حیات نباتی در حوزه حقوق خصوصی

ناهید صفری * ID | استادیار دانشگاه مراغه، گروه حقوق، مراغه، ایران

چکیده

حیات نباتی یکی از انواع آسیب‌های مغزی است که علی‌رغم مرگ نیم کره‌های مغز، ساقه مغز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. در این وضعیت بیمار هیچگونه عملکرد ذهنی و شناختی ندارد و قادر به ارتباط آگاهانه با محیط اطراف نیست. به لحاظ فقدان قوانین موضوعه در این عرصه در اکثر نظام‌های حقوقی، ابعاد حقوقی این وضعیت به نحو شایسته‌ای تبیین نشده است. تشخیص مرده یا زنده بودن این بیماران از جمله موضوعات مهمی است که تبیین وضعیت حقوقی آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. در این پژوهش با توجه به مفهوم شرعی و فقهی مرگ و با توجه به حرمت حق حیات و با وحدت ملاک از مقررات ناظر بر حجر، دیدگاه زنده بودن این بیماران مورد پذیرش قرار گرفته و با توجه به این دیدگاه و با رویکرد تطبیقی آثار حقوقی حیات نباتی مورد تحلیل قرار گرفته است. انتخاب قیّم و واگذاری امور مالی به آن‌ها، امکان درخواست طلاق توسط همسر بیمار نباتی، انفساخ قراردادهای قائم به شخص از جمله مهم‌ترین آثار حقوقی است که در این نوشتار مورد پذیرش قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: حیات نباتی، وضعیت حقوقی، قراردادهای، اموال، مرگ، حیات.

مقدمه

حیات نباتی یکی از انواع آسیب‌های مغزی است که علی‌رغم مرگ نیم‌کره‌های مغز، ساقه مغز به فعالیت خود ادامه می‌دهد. بیماران در وضعیت نباتی علی‌رغم داشتن ضربان قلب و تنفس، فاقد حرکات ارادی هستند. این بیماران چرخه خواب و بیداری همانند انسان‌های عادی دارند و گاهی حرکاتی غیرارادی از آن‌ها مشاهده می‌شود. متناسب با شدت و مدت زمان این وضعیت حیات نباتی به دو دسته دائمی (مستمر) و موقت (غیرمستمر) تقسیم شده است. در حیات نباتی دائمی معمولاً امکان بهبود و بازگشت به حالت عادی وجود ندارد. حیات نباتی با برخی آسیب‌های مغزی مانند کُما و مرگ مغزی مشابهت‌هایی دارد، اما شرایط خاص این افراد از جمله داشتن تنفس یا حرکات غیرارادی موجب تفاوت آن با سایر آسیب‌های مغزی می‌شود. از این رو تبیین ابعاد مختلف حقوقی این وضعیت ضرورت دارد. در حقوق ایران تنها قانون «پیوند اعضای بیماران فوت‌شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنها مسلم است» در خصوص آسیب‌های مغزی وجود دارد که این قانون نیز صرفاً مرگ مغزی را تعریف کرده است. در رویه قضایی نیز فرصت زیادی برای تبیین تمام آثار حقوقی این وضعیت نشده و عمدتاً مسئله پرداخت دیه و خسارت و ضرورت متحدالشکل شدن رویه قضایی در پرداخت دیه و خسارات مطرح شده است. نویسندگان حقوقی نیز بیشتر به جنبه‌های کیفری این موضوع پرداخته و ابعاد حقوقی این وضعیت کمتر مورد توجه قرار گرفته است.^۱ در سایر نظام‌های حقوقی نیز قوانین موضوعه به‌طور خاص به این موضوع نپرداخته‌اند و فقط در رویه قضایی برخی نظام‌های حقوقی از جمله آمریکا و انگلیس نشانه‌هایی از توجه به این وضعیت ملاحظه می‌شود.

۱. برای ملاحظه ابعاد کیفری این موضوع مراجعه شود به:

عسگری پور، حمید، نقی‌زاده باقی، المیرا، «ضوابط تعیین دیه اشخاص واجد زندگی نباتی»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۶، دوره ۲۱، (۱۳۹۱)، صص ۶۵-۷۸.

رحمتی، محمد، عباسی، محمود، «بررسی وضعیت حیات نباتی از منظر حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۶، دوره ۲۱ (۱۳۹۱)، صص ۱۴۵-۱۶۹.

انصاری، احمد، توجهی، عبدالعلی، قره‌داغی، جابر، «چالش‌های اجتماعی بیماران حیات نباتی و راهکارهای حقوقی جزا برای آن»، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۶ (۴)، (۱۴۰۰)، صص ۹۲۴-۹۳۹.

سؤال اصلی که پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به آن است و در تبیین وضعیت حقوقی این بیماران اهمیت دارد، حیات یا ممات آنهاست. این مسئله به‌ویژه با توجه به پیشرفت تکنولوژی و پیدایش فناوری‌های جدید حفظ حیات اهمیت دارد. دیدگاه‌های مختلفی در خصوص وضعیت حیات یا ممات این اشخاص مطرح شده است. از یک طرف می‌توان با توجه به حرمت حق حیات و توجه به مفهوم پزشکی مرگ (مرگ مغزی) چنین افرادی را زنده محسوب کرد. از طرف دیگر می‌توان با تأکید بر آسیب‌های مغزی که موجب از بین رفتن آگاهی بیمار شده، دیدگاه مرده بودن این بیماران را مورد تأیید قرار داد. در این نوشتار با توجه به مفهوم عرفی و مفهوم شرعی و فقهی مرگ (خروج روح از بدن) و معیار پزشکی مرگ (مرگ مغزی) و با توجه به حرمت حق حیات و با استصحاب حیات این بیماران، دیدگاه زنده بودن آنها مورد پذیرش قرار گرفته است. با توجه به پذیرش زنده بودن، به لحاظ تردید در وضعیت آگاهی و اراده این بیماران تبیین وضعیت حقوقی این بیماران واجد اهمیت است. مقایسه این افراد با اشخاص محجور راهکاری است که در این پژوهش در جهت تبیین وضعیت حقوقی این بیماران اتخاذ شده است. با توجه به این که مقررات اهلیت و حجر در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است، پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا می‌توان بیماران نباتی را محجور دانست، نیازمند بررسی مقررات ناظر بر حجر و اهلیت در هر نظام حقوقی است. در این پژوهش عمدتاً تأکید بر بررسی آن دسته از نظام‌های حقوقی است که در قوانین موضوعه یا رویه قضایی خود تا حدودی این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند. از این میان چند نظام حقوقی مهم از جمله انگلیس، آمریکا و فرانسه مورد توجه قرار گرفته است. پس از تبیین وضعیت حقوقی این بیماران، برخی از آثار مهم حقوقی این وضعیت از جمله وضعیت حقوقی قراردادهای، اموال، دیون و نکاح این بیماران در حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. معرفی حیات نباتی

حیات نباتی یکی از انواع آسیب‌های مغزی است. در سال ۱۹۴۰ یک روان‌پزشک آلمانی اولین بار اصطلاح سندروم آپالیک را برای توصیف بیمارانی به کار برد که بیدار بودند، اما واکنشی از خود نشان نمی‌دادند. اگرچه چندین نویسنده در اروپا از این اصطلاح در توصیف وضعیت نباتی استفاده کردند اما در کشورهای انگلیسی زبان هرگز از این اصطلاح استفاده

نشد. در سال ۱۹۷۲ دکتر فرد پلام، متخصص مغز و اعصاب آمریکایی و دکتر برایان جنت، جراح اسکاتلندی برای اولین بار اصطلاح «وضعیت نباتی» را به جای سندرم آپالیک به کار بردند. اصطلاح جدید در سال ۱۹۹۴ توسط یکی از سازمان‌های تحقیقاتی آمریکا مورد استفاده قرار گرفت.^۱ اخیراً این حالت سندروم «بیداری بی پاسخ»^۲ نیز نامیده می‌شود.^۳

حیات نباتی ممکن است به‌طور ناگهانی و در نتیجه کمبود اکسیژن در بافت‌های بدن ایجاد شود و در موارد نادر نیز ممکن است به‌طور تدریجی مثلاً در اثر یک اختلال عصبی ناشی از بیماری ایجاد شود. پیچیدگی این وضعیت ناشی از تفکیک بین دو وضعیت آگاهی و بیداری در این بیماران است؛ زیرا بیماران در وضعیت نباتی بیدار هستند، اما هیچ نشانه‌ای از آگاهی از خود یا محیط ندارند. این بیماران گاه مدت‌ها با چشم باز، روز خود را سپری می‌کنند. گاه ممکن است نسبت به نور یا صدا واکنش نشان دهند. این واکنش‌ها باعث می‌شود که اطرافیان تصور کنند که این بیماران هوشیار هستند، اما در واقع این‌گونه نیست. حیات نباتی از حیث مدت زمان آن معمولاً به دو حالت موقتی (غیرمستمر) و دائمی تقسیم می‌شود. معمولاً حالت نباتی زمانی دائمی تلقی می‌شود که احتمال بهبودی وجود ندارد. حیات نباتی معمولاً با توجه مدت زمان، به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. وضعیتی که بیمار طی یک ماه در آن قرار دارد، وضعیت نباتی نامیده می‌شود. ۲. وضعیت نباتی موقتی دوره‌ای است که بیمار از یک ماه تا یک سال در آن قرار دارد. ۳. وضعیت نباتی دائمی وضعیتی است که بیمار بیش از یک سال در آن قرار دارد.

حیات نباتی یک مفهوم پزشکی محسوب می‌شود و معمولاً قوانین موضوعه به تعریف این مفهوم در قوانین نپرداخته‌اند و در رویه قضایی نیز عمدتاً بر مفهوم پزشکی آن تکیه می‌شود. از یک جهت عدم پرداختن به این موضوع در قوانین موضوعه می‌تواند موجب سردرگمی و اختلاف آرای قضایی شود. از طرف دیگر با توجه به پیشرفت و تحولات علم پزشکی امکان تغییر معیارها و در نتیجه تغییر مفهوم نیز وجود دارد که با تغییر آن، ضرورت

1. Yang, L., & Zhang, L., "On Legal Personality of Human Vegetables and Protection of Their Rights", *Frontiers of Law in China*, 2, (2007), 590.

2. Un responsive Wakefulness Syndrome (VS/UWS)

3. Van erp, W., & Van de laar, F., & Laureys, S., & Lavrijsen, JU., & Vos, P E., & Koopmans, R., "The Vegetative State/Unresponsive Wakefulness Syndrome: A Systematic Review of Prevalence Studies", *European Journal of Neurology*, 21(11), (2014), 1368.

تغییر قوانین نیز وجود خواهد داشت؛ بنابراین اجتناب از ورود به تعاریف در این زمینه موجب است. در هر حال نظام‌های حقوقی به شکل متفاوتی عمل کرده‌اند. اکثر نظام‌های حقوقی در قوانین موضوعه به تعریف این مفهوم و انواع آن نپرداخته‌اند. در حقوق ایران جز «قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنها مسلم است» قانون دیگری در خصوص چنین وضعیت‌هایی وجود ندارد و این قانون نیز صرفاً به تعریف مرگ مغزی اشاره داشته، اما در برخی نظام‌های حقوقی تعاریفی دیده می‌شود. به عنوان مثال برخی ایالات آمریکا، حیات نباتی یا انواع آن را در قوانین خود تعریف کرده‌اند. در قانون امور حسبی ایالت مین^۱ وضعیت نباتی دائمی وضعیتی است که پس از کما حادث و در آن بیمار به طور کامل عملکرد قشری و شناختی خود را از دست می‌دهد، اما ساقه مغز به طور نباتی به عملکرد خود ادامه می‌دهد و طبق استانداردهای پزشکی پذیرفته شده، احتمال واقع‌گرایانه بهبودی وجود ندارد. در قانون حقوق مدنی فلوریدا^۲ وضعیت نباتی دائمی، وضعیت دائمی و غیرقابل برگشت آگاهی توصیف شده که در آن وضعیت، بیمار فاقد توانایی اقدام داوطلبانه یا هر نوع رفتار شناختی و فاقد توانایی برقراری ارتباط یا تعامل هدفمند با محیط است.

۲. وضعیت حقوقی بیماران نباتی

یکی از موضوعات مهم که پاسخ‌گویی به آن در تبیین وضعیت حقوقی بیماران نباتی اهمیت دارد مسئله حیات یا ممات این بیماران است.

دیدگاه غالب پزشکی مدرن این است که توقف قلب یا تنفس پایان زندگی نیست، بلکه صرفاً از علائم قریب‌الوقوع بودن مرگ محسوب و انسان تا زمان زنده بودن سلول‌های مغز، زنده محسوب می‌شود، هر چند ضربان قلب و تنفس او متوقف شده باشد.

علاوه بر پذیرش معیار مرگ مغز در تعریف مرگ، با توجه به پیدایش مفاهیمی مانند کما و حیات نباتی معیارهای دیگری نیز از مرگ ارائه شده است. به عنوان مثال طرف‌داران الگوی «مبتنی بر آگاهی»^۳ بر این باورند که مرگ انسان به معنای ازدست‌دادن برگشت‌ناپذیر ظرفیت آگاهی است. طبق این دیدگاه مرگ هنگامی اتفاق می‌افتد که قسمت‌هایی از مغز که مسئول آگاهی هستند، به طور غیرقابل برگشت آسیب بینند و معیارهای اصلی تشخیص

1. Maine Probate Code §5-802

2. Florida Statutes 765.101(15)

3. Consciousness

مرگ تکنیک‌هایی است که از طریق آن، عدم آگاهی بیمار از خود یا محیط خود و عدم پاسخ به محرک‌ها مشخص می‌شود.^۱

در حقوق ایران با توجه به معیارهای فقهی و شرعی، مرگ به معنای جدا شدن روح از بدن به طور دائم است. در نتیجه برخلاف حیات، امکان تعیین زمان دقیق مرگ وجود ندارد. البته علائم ظاهری برای انفصال روح از بدن ذکر شده است. معیار مرگ مغزی که در اکثر نظام‌های حقوقی پذیرفته شده، در حقوق ایران نیز به موجب قانون «پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است»، پذیرفته شد. علی‌رغم عدم تصریح به معیار مزبور در قانون، جواز پیوند اعضا در قانون و نیز استفاده از واژه‌هایی نظیر وصیت و موافقت ولی‌میت، مؤید پذیرش مرگ مغزی به عنوان معیار مرگ در حقوق ایران است. با توجه به این مفاهیم، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص وضعیت حیات و ممات این بیماران وجود دارد. در این مبحث ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف، دیدگاه پذیرفته شده را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲-۱. وضعیت حیات و ممات بیماران نباتی

با توجه به معیارهای مختلف در خصوص مرگ، دیدگاه‌های مختلفی در خصوص وضعیت حیات یا ممات بیماران نباتی وجود دارد. تفاوت این دیدگاه‌ها به تفاوت در مفهوم و ارزش حیات مرتبط است.

۲-۱-۱. نظریه زنده بودن بیماران نباتی

یکی از دیدگاه‌های پذیرفته شده در خصوص بیماران نباتی، زنده بودن آنهاست. این دیدگاه عمدتاً بر وضعیت بیولوژیکی این بیماران تأکید می‌نماید؛ زیرا آنها با وجود ازدست دادن برگشت‌ناپذیر آگاهی و هوشیاری و علی‌رغم وابسته بودن به دستگاه، عملکردهای فیزیولوژیکی خودمختار خود را حفظ نموده و بنابراین زنده هستند.^۲

1. McCorristine, S, *Interdisciplinary Perspectives on Mortality and its Timings: When is Death?* (Palgrave Historical Studies in the Criminal Corpse and its After life), (United Kingdom: Cambridge University Press, 2017), p.120.

2. Brussel, L., & Carpentier, N, *The Social Construction of Death*, (United Kingdom, Palgrave Macmillan, 2014), p.241.

حرمت زندگی و برخورداری از حقوق بشر را می‌توان از مبانی اصلی این دیدگاه دانست. از اصول اساسی حقوق بشر این است که همه انسان‌ها به‌عنوان یک انسان، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های انسانی از حقوق اساسی مشترک برخوردارند و محرومیت یک دسته از انسان‌ها از حقوق بشر به دلیل خصوصیات جسمی یا روحی آن‌ها، منطبق با برابری حقوق اشخاص نیست؛ بنابراین از آنجا که از حیث بیولوژیکی، بیماران نباتی زنده هستند، باید آن‌ها را واجد حقوقی از جمله احترام به حق حیات دانست.

برخی نیز با تأکید بر ارزش این بیماران از حیث زیستی و جامعه‌شناسی زنده بودن آن‌ها را مورد استدلال قرار می‌دهند. این دیدگاه ضمن تبیین مفهوم اراده و آگاهی به‌عنوان یکی از معیارهای انسان بودن، بیماران نباتی را انسان در حالت نباتی محسوب می‌کند. در این دیدگاه تأکید می‌شود که اگرچه بارزترین ویژگی این بیماران، از بین رفتن قدرت اراده است و آزادی اراده، جوهر ذاتی و اساسی‌ترین ویژگی و ارزش اشخاص است، اما تعریف و ویژگی انسان بودن صرفاً به آزادی اراده محدود نمی‌شود و علاوه بر معیار آزادی اراده، معیارهایی مانند ساختار بدن، درد جسمی و لذت و منافع شخصی می‌توانند ارزش انسان‌ها را مجسم نمایند. در نتیجه بیماران نباتی را به دلایل مختلفی می‌توان انسان زنده دانست؛ زیرا نخست، دارای ساختار جسمی انسانی هستند و همچنین دارای مغز هستند (هرچند که آسیب‌دیده باشد). دوم، احتمال بازگشت آگاهی در برخی از آن‌ها وجود دارد و نباید با بیماران مرگ مغزی یکسان دانست. سوم، از حیث اجتماعی هنوز دارای وجهه اجتماعی هستند؛ زیرا تا زمانی که به معنای واقعی نمیرند و احتمال بهبودی داشته باشند، می‌توانند نیازهای عاطفی خویشاوندان و دوستان خود را برآورده سازند. در واقع برخی حرکات غیرارادی در این بیماران موجب می‌شود که نزدیکان بیماران تصور می‌کنند که بیمار حضور آن‌ها را حس می‌کند. به همین دلیل حاضرند هر نوع درمانی را برای بیمار فراهم کنند. نهایتاً این که هرگونه نقص در شخصیت حقوقی را می‌توان از طریق نظام حمایتی اصلاح و ناقص بودن شخصیت حقوقی بیماران نباتی به این معنا نیست که آن‌ها مرده هستند.^۱

به نظر می‌رسد در حقوق ایران نیز این دیدگاه قابل پذیرش باشد؛ زیرا با توجه به معیار پزشکی مرگ در خصوص مرگ این افراد، با تردید مواجه هستیم و با توجه به حرمت حق حیات با استصحاب حیات این بیماران باید قائل به زنده بودن این افراد بود. برخی نویسندگان

1. Yang & Zhang, op.cit, 591,593.

نیز به برخی شواهد عینی استناد کرده که گویای بازگشت بعضی بیماران مبتلا به حیات نباتی به زندگی عادی بعد از گذشت مدت زمان بیش از یک سال بوده است.^۱ طبیعی است این مسئله نیز تردید جدی در مرده تلقی کردن این بیماران ایجاد خواهد نمود. در فقه نیز علی‌رغم عدم طرح مسئله به‌طور خاص به‌نظر می‌رسد از مباحث مربوط به حیات مستقر و غیرمستقر^۲ در کلام فقها می‌توان دیدگاه آن‌ها را استنباط کرد. با توجه به معیارهای فقها در خصوص حیات مستقر از جمله شعور، ادراک، حرکت اختیاری^۳ و دیدگاه عرف^۴ به‌نظر می‌رسد بیماران نباتی از نظر فقها دارای حیات هستند. این دیدگاه در حقوق ایران نیز توسط برخی نویسندگان حقوقی مطرح شده است.^۵

۲-۱-۲. نظریه مرده بودن بیماران نباتی

در مقابل دیدگاه اخیر دیدگاه مخالفی نیز قابل طرح است که بیماران نباتی را مرده تلقی می‌کند. این دیدگاه‌ها عمدتاً با انتقاد بر توجه صرف به معیار زیستی با تأکید بر آسیب مغز، این بیماران را مرده محسوب می‌کنند.

برخی مسیحیان معتقدند چنین بیمارانی تجسمی از خداوند تلقی نمی‌شوند و از منظر الهیات مرده محسوب می‌شوند. محققان کاتولیک معتقدند چنین بیمارانی شخصیت خود را از دست داده و نمی‌توانند در زندگی خود دخل و تصرف کنند؛ لذا موجودی آزاد محسوب نشده و از منظر اجتماعی مرده هستند. به‌عنوان مثال کوین وایلدرز، اخلاق‌گرای مسیحی اظهار

۱. فراست، جعفر، ازریتون، سجاد، امینی، کامروز، محمد، سعادت‌نشان، «چالش‌های زوال منافع در بیماران حیات نباتی از منظر پزشکی، فقه و حقوق»، مجله پزشکی قانونی ایران، ۱(۲۷)، (۱۳۹۹)، ص ۳۶.

۲. برای مطالعه در خصوص تفاوت‌های این دو نوع حیات مراجعه شود به: نظری توکلی، «تفاوت مرگ مغزی با حیات غیرمستقر»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، ۷۵، (۱۳۸۲)، صص ۹۱-۹۷.

۳. موسوی خوئی، ابوالقاسم. مبانی تکلمه المنهاج، (بغداد، جامعه بغداد، ۱۴۲۲)، ص ۳۰۷.

۴. نجفی، شیخ محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۴۲ (بیروت، دار احیاء التراث الدرایی، ۱۳۶۲)، ص ۷۱.

۵. چیت‌سازیان، مرتضی، حسنی‌نیا، حامد. «بررسی و مقایسه حالت اغماء با بیهوشی عمومی و مرگ مغزی در فقه و حقوق ایران» فصلنامه فقه و حقوق خصوصی، شماره ۵(۳)، (۱۳۹۹)، ص ۹۶.

نموده که با توجه به دامنه آسیب مغزی در بیماران نباتی بعید به نظر می‌رسد که اتحاد اساسی بین روح و جسم وجود داشته باشد و به تبع آن الزامی برای حفظ زندگی آن‌ها وجود ندارد.^۱ یکی دیگر از دیدگاه‌هایی که می‌تواند مثبت مرده بودن بیماران نباتی باشد، نظریه شخصیت است. طرف داران نظریه شخصیت بین جسم فرد و شخصیت او تمایز قائل شده‌اند. مطابق این نظریه، همه انسان‌ها اشخاصی نیستند که دارای حقوق باشند. طبق این دیدگاه تنها اشخاصی شخصیت حقوقی دارند که از خود اراده داشته باشند. حداقل معیارهای تشخیص اراده، توانایی استدلال و توانایی ارزش‌گذاری برای وجود خویش است.^۲

طبق این دیدگاه اشخاص با ازدست دادن این توانایی‌ها دارای شخصیت حقوقی نیستند؛ لذا انسان زنده فرض نمی‌شوند. رویکرد شخصیت‌بسیاری از انسان‌ها از جمله بیماران نباتی را از حقوق انسان‌های زنده محروم می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود یکی از مبانی چنین دیدگاهی تکیه بر مسئله آگاهی است. بر اساس این معیار، بیماران نباتی به دلیل ازدست دادن غیرقابل برگشت آگاهی مرده تلقی می‌شوند. این دیدگاه در حقوق ایران قابل پذیرش نخواهد بود و مرده بودن بیماران نباتی با مفهوم پزشکی، فقهی، حقوقی و عرفی مرگ سازگاری ندارد. در خصوص پذیرش موت فرضی این بیماران نیز با توجه به مقررات موجود، پاسخ منفی است و امکان پذیرش موت فرضی در حال حاضر وجود ندارد و با توجه به اهمیت حق حیات بعید است در حقوق ایران مورد پذیرش قرار گیرد.

۲-۲. محجور بودن بیماران نباتی

هریک از نظریات مطرح شده بیانگر قسمتی از واقعیت موجود در خصوص وضعیت بیماران نباتی است. وضعیت خاص این بیماران، اظهار نظر قاطع در خصوص مرده یا زنده بودن آن‌ها را با تردیدهایی مواجه کرده است. نظریه زنده بودن این افراد با مفهوم بیولوژیکی و حتی نگاه سنتی و عرفی مرگ منطبق است، اما وضعیت خاص این بیماران و فقدان هوشیاری و آگاهی معیار بیولوژیکی را به چالش کشیده و تردیدهایی را ایجاد نموده است. با توجه به وضعیت زیستی این بیماران نیز دیدگاه مرده بودن با چالش مواجه است. ضمن این که به لحاظ تردید در مرگ، پذیرش مرده بودن نه تنها به وضوح مخالف با اصول حقوق بشری است، بلکه با اصل بقای حیات نیز معارض و اصولاً در صورت تردید در حیات باید اصل را

1. Ibid, 588.

2. McCorristine, op.cit, p.123.

بر حیات گذاشت تا خلاف آن ثابت شود. از این رو به نظر می‌رسد ضمن پذیرش دیدگاه زنده بودن این بیماران، به لحاظ تردید در وضعیت آگاهی و اراده این بیماران با مقایسه این افراد با اشخاص محجور می‌توان این بیماران را فاقد اهلیت دانست. با توجه به این که مقررات اهلیت و حجر در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است، پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا می‌توان بیماران نباتی را محجور دانست، نیازمند بررسی مقررات ناظر بر حجر و اهلیت در هر نظام حقوقی است که در این مبحث به آن خواهیم پرداخت.

۲-۱- محجور بودن بیماران نباتی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران ضوابط حاکم بر حجر در قانون مدنی و قانون امور حسبی مشخص شده‌اند. ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی محجورین را به سه گروه صغار، مجانین و سفها تقسیم نموده است. با توجه به مقررات موجود در حقوق ایران مسئله اصلی در خصوص بیماران نباتی، انطباق وضعیت اهلیت این افراد با محجورین در مفهوم سنتی خود است. ظاهراً وضعیت نباتی با هیچ یک از اسباب حجر در حقوق ایران منطبق نیست. با این وجود علی‌رغم تفاوت ظاهری حیات نباتی با اسباب سنتی حجر، از حیث مبنا و هدف قانون‌گذار شباهت‌هایی وجود دارد. در صورت پذیرش چنین دیدگاهی با مقایسه وضعیت نباتی با برخی محجورین می‌توان حکم حجر آن‌ها را درخواست نمود. به‌عنوان مثال بیماران در وضعیت حیات نباتی از حیث اختلال در عملکرد مغز مشابهت‌هایی با وضعیت جنون دارند.

در قانون مدنی و قانون امور حسبی ما تعریف دقیقی از جنون مطرح نشده است. البته قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۹ در مقام بیان مسئولیت کیفری مجنون به تعریف آن پرداخته است. نویسندگان حقوق مدنی نیز تعاریف مختلفی از جنون مطرح نموده‌اند. برخی جنون را صفت کسی می‌دانند که فاقد تشخیص نفع و ضرر و حسن و قبح است.^۱ برخی دیگر معتقدند جنون عارضه دماغی است که مانع از درک اعمال شخص می‌شود.^۲ با چنین تعاریفی از جنون واضح است که جنون حقوقی بسیار گسترده‌تر از جنون روان‌پزشکی است و در حقوق، هر بیماری که موجب اختلال در عقل شود، جنون است. با

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چ ۱، (تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸)، ص ۲۰۰

۲. کاتوزیان، امیرناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی قرارداد/ایقاع، (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵)، ص ۴۳۵.

چنین مفهوم گسترده‌ای، می‌توان جنون را با وضعیت بیماران نباتی منطبق دانست. راهکار دیگری که در این خصوص می‌توان ارائه داد، استناد به ماده ۱۰۴ قانون امور حسبی است. مطابق این ماده کسی که در اثر کبر سن یا بیماری و امثال آن از اداره تمام و یا بعضی اموال خود عاجز شده می‌تواند از دادگاه بخواهد که برای اداره اموال او امین معین شود. ظاهر ماده از جمله اشاره به درخواست فرد برای تعیین اموال مؤید آن است که این ماده ناظر بر بیماری‌های جسمی است که قوای عقلی بیمار مشکلی ندارد. اگر به این ظهور اکتفا کنیم امکان استفاده از آن در خصوص بیماران نباتی نخواهیم داشت، اما در مقابل در صورتی که به اطلاق ماده که بیماران را محدود به بیماران جسمی نکرده و همچنین مبنای آن توجه شود، می‌توان به آن استناد نمود. در هر حال ضمن محدود بودن ماده به اداره اموال که تردیدهایی در خصوص برخی اعمال حقوقی مانند فروش آن ایجاد می‌نماید و عدم قطعیت در خصوص اعمال ماده در خصوص بیماران دچار اختلال عقلی، به نظر می‌رسد تحلیل اول و محجور تلقی کردن این بیماران راهکار مناسب‌تری باشد و تکلیف تمام امور بیمار را مشخص می‌نماید. نظر فقهای که قائل به حصری نبودن اسباب حجر^۱ و نظر حقوق‌دانانی که قائل به توسعه اسباب حجر متناسب با شرایط جدید هستند^۲ در تأیید این راهکار می‌توان مورد استناد قرار داد.

در فقه نیز نشانه‌هایی از پذیرش این دیدگاه وجود دارد. اگرچه با توجه به جدید بودن وضعیت نباتی در پزشکی، وضعیت بیماران نباتی در فقه به‌طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته، اما در خصوص مفاهیم مشابه از جمله اغما یا بیهوشی دیدگاه‌هایی در فقه مطرح شده است. اغما در اصطلاح فقیهان به بیماری گفته می‌شود که بر دماغ یا قلب عارض شده و بر اثر آن قوای مدرکه و قوای محرکه‌ای که افعال ارادی و آثار انسانی از آن به‌وجود می‌آید تعطیل می‌شود.^۳ با توجه به این تعریف، اغما در فقه شامل تمام مصادیقی است که شخص آگاهی خود را نسبت به محیط از دست داده و این مفهوم می‌تواند منطبق با وضعیت گمای پزشکی و یا حتی حیات نباتی باشد. البته اغما در کلام فقها به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. برخی فقها در بررسی شرایط صحت عقود و لازم دانستن عقل

۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *مسالك الافهام الى تنقيح الشرايع اسلام*، ج ۴، (قم، موسسه معارف اسلامي، ۱۴۱۳)، ص ۱۴۱.

۲. میرالوندی، شهلا، فهرستی، زهرا، فتحی، طاها، «امکان توسعه محجوریت به مصادیقی از جوامع امروزی»، *نشریه قانون یار*، سال پنجم، شماره ۱۷ (۵)، (۱۴۰۰)، صص ۷۹-۱۰۶.

۳. حائری مهریزی، محمود، نصیری رضی، ولی‌الله «تأثیر اغما بر قرارداد و کالت در فقه و حقوق ایران»، *مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۱۹ (۳)، (۱۳۹۰)، ص ۷۰.

برای صحت عقود، در کنار جنون، به اغما به عنوان یکی از موجبات فقدان عقل و بطلان عقد پرداخته‌اند.^۱ همچنین در بحث ولایت، عقل را از شرایط ثبوت و نیز استمرار ولایت برای ولی دانسته و از این رو بر این باورند که در حال بیهوشی، ولایتی برای ولی نخواهد بود.^۲ در ابواب مختلف عبادات از جمله طهارت، صلاه، صوم، حج و برخی عقود از جمله مضاربه، وکالت و نکاح نیز اغما مورد بررسی فقها قرار گرفته است. بحث اصلی اغما در کلام فقها در عقود جایز است. عموماً فقها در عقود جایز به لحاظ ضرورت استمرار عقل، اغما را در کنار جنون از موجبات انفساخ دانسته‌اند.^۳ دلیل این امر از نظر برخی فقها اجماع عنوان شده است.^۴ برخی فقها نیز صراحتاً اغما را در کنار جنون از اسباب حجر دانسته و علت انفساخ عقود جایز را در فرض اغما بر مبنای عدم اهلیت توجیه کرده‌اند.^۵

در رویه قضایی بیشتر به ابعاد کیفری مسئله از جمله ضوابط تعیین دیه اشخاص نباتی و تداخل دیات پرداخته شده است. به عنوان مثال در بررسی یک پرونده قضایی، شخصی در اثر تصادف رانندگی در بیمارستان بستری و تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد و به جهت قصور پزشک در تزریق آمپول آدرنالین وریدی، در زندگی نباتی قرار می‌گیرد. در این پرونده مسئله تعدد دیات بیمار نباتی مطرح و مورد پذیرش قرار نگرفته است.^۶ در برخی پژوهش‌های داخلی نیز در خصوص نحوه تعیین دیه این اشخاص مطالعاتی صورت گرفته است.^۷ در نظریات مشورتی نیز برخی ابعاد حقوقی و کیفری موضوع تحلیل شده است. امکان درخواست تعیین امین توسط بستگان بیمار (نظریه مشورتی شماره ۷۹۸.۱۴۶)

۱. علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۲، (قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸). ص ۱۷.

۲. نجفی، شیخ محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۹ (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲)، ص ۲۰۷.

۳. شهید ثانی، مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، ج ۵، (قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳)، ص ۸۴- نجفی، شیخ محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۶ (بیروت، دار احیاء التراث الدربی، ۱۳۶۲)، ص ۳۵۵-

حلی، جعفر بن حسن. شرایع اسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۲. (قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸). ص ۱۵۲

۴. یزدی، محمد کاظم، ملحقات العروه الوثقی، ج ۱ (قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۴)، ص ۱۲۵.

۵. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. العناوین الفقهیة، (قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷). ص ۴۱۰.

۶. انصاری، احمد، توجیهی، عبدالعلی، قره‌داغی، جابر، «چالش‌های اجتماعی بیماران حیات نباتی و راهکارهای حقوق جزا برای آن»، نشریه جامعه شناسی سیاسی ایران، شماره ۱۶ (۴)، (۱۴۰۰)، ص ۹۲۹.

۷. قربانی، مرضیه، شادمان فر، محمدرضا، قدوسی، آرش، «بررسی نحوه تعیین دیه در مصدومین منتهی به زندگی نباتی از دیدگاه قضات و پزشکان قانونی»، مجله علمی پزشکی قانونی، ۲-۳ (۱۸)، (۱۳۹۱)، صص ۱۰۷-۱۱۲- آقا بابایی بنی، اسماعیل. «تداخل دیات در جنایت منجر به زندگی نباتی»، فصلنامه فقه پزشکی، ۶ (۱۸ و ۱۹) (۱۳۹۳)، صص ۱۱-۳۸- عسگری پور، پیشین.

مورخ (۱۳۹۸.۳.۱) رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری علیه بیمار نباتی با تعیین امین (نظر مشورتی شماره ۷.۱۴۰۱.۵۲ مورخ ۱۴۰۱.۲.۴) تعدد دیات در برخی فروض حیات نباتی (نظریه مشورتی شماره ۷.۹۹.۹۲۰ مورخ ۹۹.۷.۹) از جمله آنهاست.

در خصوص ابعاد حقوقی موضوع نیز وضعیت حجر و نحوه اداره اموال در برخی نظریات مشورتی و نشست‌های قضایی در موضوعات مشابه از جمله کما مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان نمونه در نشست قضایی مورخ ۱۳۹۷.۱۲.۱۶ استان مازنداران در خصوص وضعیت کما دیدگاه محجور بودن مورد پذیرش قرار گرفته است. در نظریه شماره ۷/۱۴۰۰/۲۳۲ اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به وضعیت حقوقی بیماران در وضعیت کما و حیات نباتی، نظر اقلیت بر محجور بودن و ضرورت نصب قیم به دلیل زوال عقل و تحقق حجر است.

در مقابل برخی حقوق دانان محجور تلقی کردن این بیماران را مورد انتقاد قرار داده‌اند. از نظر آنها به علت موضوعیت نداشتن فلسفه حجر در خصوص این افراد، حصری بودن محجورین در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی و اصل اهلیت افراد، نمی‌توان وضعیت این اشخاص را مصداقی از محجورین دانست؛ ضمن این که محجور دانستن افراد آثار حقوقی فراوانی از جمله انفساخ کلیه عقود اذنی فرد دارد و حمایت حقوقی از این افراد و تعیین تکلیف در خصوص اداره اموال آنها صرفاً با محجور دانستن آنها ممکن نیست.^۱ نظریه شماره ۷/۱۴۰۰/۲۳۲ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز نزدیک به این دیدگاه است. در این نظریه در پاسخ به وضعیت حقوقی این بیماران، اکثریت قضات موضوع را از موارد تعیین قیم محسوب نکرده و با استناد به ماده ۱۰۴ قانون امور حسبی تقاضای تعیین امین با درخواست بستگان نزدیک بیمار را راهکار حمایت از این اشخاص دانسته‌اند. برخی حقوق دانان نیز در موضوعات مشابه همانند اغما یا کما موضوع را بررسی و محجور بودن را نپذیرفته‌اند.^۲

۱. سیاهییدی کرمانشاهی، سعید، خدادادی، جواد، «اداره اموال فرد در وضعیت «حیات نباتی»، فصلنامه تعالی حقوق، سال سیزدهم، شماره ۲ (۱۳)، (۱۴۰۱)، ص ۱۸۹.

۲. سرگز یور، مجتبی، کیخا، محمدرضا، آبین، علیرضا، «واکاوی وضعیت حجر مبتلابان به اغمای خارج از کنترل در فقه امامیه و حقوق ایران»، فقه پزشکی، دوره ۱۱، شماره ۴۰-۴۱، (۱۳۹۸)، صص ۲۲-۳۲. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲ (تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵) ص ۳۹.

۲-۲-۲. محجور بودن بیماران نباتی در سایر نظام‌های حقوقی

مطالعه مقررات حجر در نظام‌های حقوقی مختلف می‌تواند پذیرش یا عدم پذیرش دیدگاه محجور بودن بیماران نباتی را در این نظام‌ها روشن سازد.

۱-۲-۲-۲. محجور بودن بیماران نباتی در حقوق آمریکا

در حقوق آمریکا به موجب بخش ۱۰۲ قانون متحدالشکل قیمومت و دادرسی حمایتی مصوب ۱۹۷۲^۱ شخص فاقد اهلیت، شخصی است که بنا به دلایلی غیر از صغر، قادر به دریافت و ارزیابی اطلاعات و تصمیم‌گیری نیست و این مسئله به حدی است که حتی با کمک فناوری مناسب، فرد فاقد توانایی تحقق الزامات اساسی برای سلامت جسمی، امنیت، خودمراقبتی باشد. در سطح ایالات نیز مقررات کم‌وبیش یکسانی وجود دارد. سی‌وشش ایالت، حجر را در قوانین خود تعریف کرده‌اند. در اغلب این تعاریف از معیارهای شخصی و مبهم برای تعریف حجر استفاده شده و تشخیص آن را بر عهده دادرس گذاشته‌اند تا شخصی که واقعاً قادر به اداره اموال خود نیست، محجور شناخته شود. به‌عنوان نمونه در ایالت کارولینای شمالی، حجر وضعیت فرد بالغ یا خردسالی است که فاقد اهلیت کافی برای اداره امور مربوط به بزرگسالان یا تصمیم‌گیری‌های مهم درباره خود، خانواده یا اموال خود باشد، صرف‌نظر از اینکه این عدم توانایی به دلیل بیماری روانی، ناتوانی ذهنی، صرع، فلج مغزی، اوتیسم، کهولت، صدمه یا سایر بیماری‌ها باشد. به‌نظر می‌رسد چنین تعاریف گسترده‌ای از حجر می‌تواند قابل انطباق با وضعیت بیماران نباتی باشد. عبارت سایر بیماری‌ها در قانون اخیر به‌ویژه در کنار اشاره به بیماری‌هایی مانند اوتیسم و فلج مغزی را می‌توان با وضعیت بیماران نباتی منطبق نمود.

امکان مقایسه بیماران دارای حیات نباتی با مجانین نیز در این نظام حقوقی وجود دارد. دادگاه‌های فدرال آمریکا جنون را «عدم تشخیص اشتباه بودن اعمال» می‌دانند. انجمن روان‌پزشکی آمریکا اصطلاح «اختلالات روانی» را به کار برده و آن را با اصطلاح و تعبیر پزشکی معرفی می‌کند. از نظر این انجمن بیماری روانی یا بر مغز شخص تأثیر می‌گذارد یا نمود مغزی دارد و طرز فکر، رفتار و تعامل فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بنابراین مفهوم حقوقی جنون با مفهوم پزشکی آن یکسان نیست، اما این بدان معنا نیست که آنچه در

1. Uniform Guardianship and Protective Proceedings Act 1972.

اصطلاح حقوق جنون نامیده می‌شود در اصطلاح پزشکی جنون نیست، بلکه آنچه را حقوق جنون می‌داند در پزشکی نیز جنون نامیده می‌شود. با این وجود وقتی دادگاه‌ها در خصوص جنون شخص از پزشکان نظر می‌خواهند، صرفاً جنون فکری یا به عبارتی عدم تشخیص اشتباه بودن اعمال را مدنظر قرار می‌دهند و جنون عاطفی یا احساسی و جنون اخلاقی را مدنظر ندارند؛^۱ بنابراین با توجه به چنین مفهومی از جنون و با توجه به فقدان اراده و زوال قوه ادراک بیماران نباتی، قرار دادن آن‌ها در دسته اختلال روانی (جنون فکری) در نظام حقوقی آمریکا امکان‌پذیر است.

۲-۲-۲-۲. محجور بودن بیماران نباتی در حقوق فرانسه

نظام حمایتی حقوقی فرانسه در قانون مدنی مصوب ۱۹۶۸ سازمان‌دهی شده است. این قانون سه نوع اقدامات حفاظتی شامل سرپرستی^۲، قیمومت^۳ و حفاظت دادگستری^۴ ایجاد کرده است. در سال ۲۰۰۷ قانون اصلاح حمایت حقوقی از اشخاص^۵ تصویب و نظام حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر را اصلاح و از ژانویه ۲۰۰۹ لازم‌الاجرا شد. در این قانون ابزار جدیدی تحت عنوان «دستورالعمل برای حمایت در آینده»^۶ نیز پیش‌بینی شد. این ابزار این امکان را فراهم می‌کند که اشخاصی که تحت قیمومت نیستند، بتوانند بدون نیاز به رسیدگی قضایی به انتخاب شخص یا اشخاصی به‌عنوان نماینده خود اقدام که در صورت دادن اهلیت، اشخاص مزبور بتوانند امور او را اداره کند.

ماده ۴۲۵ قانون مدنی فرانسه در خصوص اقدامات حمایتی از بالغین مقرر می‌دارد: «هر شخصی که به دلیل اختلال در توانایی‌های ذهنی یا جسمی که از طریق پزشکی ثابت شده و مانع ابراز اراده اوست، به تنهایی ناتوان از تأمین منافع خود باشد، می‌تواند از یک اقدام حمایت حقوقی پیش‌بینی شده در قانون برخوردار گردد. چنانچه به نحو دیگری مقرر نشود، این اقدام

۱. بسامی، مسعود. بسامی، «جنون؛ از آثار حقوقی تا پیامدهای کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۸، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱.

2. Curatorship

3. Tutorship

4. Sauvegarde De Justice

5. Law n 2007-308 of March 5, 2007 Reforming the Legal Protection of Adults.

6. Mandat De Protection Future

با هدف حمایت از شخص و همچنین منافع مالی او صورت می‌گیرد. با این وجود ممکن است اقدام صریحاً محدود به یکی از این دو وظیفه گردد.^۱

مطابق با ماده ۴۳۳ این قانون نیز دادرس می‌تواند کسی که به موجب یکی از اسباب مندرج در ماده ۴۲۵ نیازمند حمایت حقوقی موقت یا نماینده‌ای برای انجام برخی اعمال معین باشد، تحت حفاظت دادگستری قرار دهد. همچنین در مواردی که شخص ذی‌نفع ناتوان از ابراز اراده باشد، دادگاه بدون استماع اظهارات او رأی صادر خواهد کرد. مقررات مربوط به حفاظت دادگستری در مواد ۴۳۳ تا ۴۳۹ قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی شده است. حفاظت دادگستری، اقدام حمایتی برای اشخاصی است که نیازمند حمایت موقتی هستند. این نوع حمایت همچنین در خصوص اشخاصی اعمال می‌شود که در موارد خاصی نیاز به حمایت قانونی دارند.

نهاد سرپرستی در خصوص اشخاصی است که اگرچه به‌طور کامل عاجز از اداره امور خود نیستند، اما نیاز به کمک یا نظارت دارند. وظیفه سرپرست راهنمایی و کمک به مؤلفی علیه در انجام اعمال حقوقی است. قاضی می‌تواند با توجه به مدارک پزشکی شخص، اختیارات سرپرست را کم یا زیاد کند. در صورتی که به نظر شخص تحت سرپرستی عمل حقوقی باید توسط خود او انجام شود، باید از دادگاه اجازه بگیرد. مؤلفی علیه نمی‌تواند بدون کمک سرپرست عمل حقوقی انجام دهد. در زمان انتصاب یا پس از آن دادگاه اعمالی را که مؤلفی علیه می‌تواند به‌تنهایی انجام دهد، مشخص می‌کند. اعمالی که باید توسط سرپرست انجام شود در صورتی که به‌تنهایی انجام شود ممکن است توسط دادگاه ابطال شود. نهاد قیمومت زمانی اعمال می‌شود که هیچ‌یک از انواع حمایت قضایی و سرپرستی نتوانند پاسخ‌گوی نیازهای مؤلفی علیه باشد. قیمومت برای زمانی است که شخص مؤلفی علیه نیازمند حمایت دائمی باشد. مطابق با قانون مصوب سال ۲۰۰۷ اختیارات قیم در خصوص تمامی حقوق شخصی و مالی مؤلفی علیه است. البته دادگاه در صورت صلاحدید می‌تواند اختیارات او را محدود کند. همچنین در زمان انتصاب قیم دادگاه مواردی را مشخص خواهد کرد که قیم می‌تواند به‌تنهایی انجام دهد.^۲

۱. محسنی، الهه، اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه، (تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵) ص ۲۲۴.

2. Swiss Institute of Comparative Law, *Comparative Study on the Legal Systems of the Protection of Adults Lacking Legal Capacity*. (Policy Department C Citizens' Rights and Constitutional Affairs, 2008), 65,67.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مقررات حمایتی وسیعی در نظام حقوقی فرانسه وجود دارد. با توجه به تعریف موسّع حجر در ماده ۴۲۵ قانون مدنی که شامل هر شخصی می‌شود که قادر به اداره امور خود نباشد، به نظر می‌رسد می‌توان بیماران نباتی را مشمول قواعد حجر دانست. با توجه به وضعیت بیماران نباتی که به‌طور کلی فاقد اراده و هوشیاری هستند و قادر به تأمین منافع خود نیستند، نهاد قیمومت می‌تواند حمایت لازم را برای این بیماران فراهم نماید و قیّم تمامی حقوق شخصی و مالی بیمار را به قائم‌مقامی از او مدیریت خواهد کرد. همچنین در صورتی که به تشخیص پزشکان علائم بهبودی و برگشت در وضعیت نباتی وجود داشته باشد، مقررات حفاظت دادگستری نیز قابل انطباق با این وضعیت خواهد بود. به‌عنوان مثال در شرایطی که وضعیت نباتی به حالت دائمی تبدیل نشده باشد. همچنین می‌توان به ماده ۲۱۹ قانون مدنی فرانسه در موضوعات خانوادگی اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «در صورتی که یکی از زوجین قادر به ابراز اراده خود نباشند، دیگری می‌تواند به واسطه حکم دادگستری صلاحیت قانونی جهت نمایندگی از او را به‌طور کلی یا نسبت به برخی اعمال خاص برای اجرای اختیارات ناشی از نظام مالی زوجین کسب کند؛ بنابراین در حیات نباتی نیز با توجه به عدم امکان ابراز اراده این نمایندگی قابل اعمال است.

۲-۲-۳. محجور بودن بیماران نباتی در حقوق انگلیس

اهلیت در نظام حقوقی انگلستان در «قانون اهلیت روانی»^۱ مصوب ۲۰۰۵ تعریف شده است. مطابق با بند ۱ ماده ۲ این قانون شخص فاقد اهلیت شخصی است که به دلیل اختلال در عملکرد ذهن یا مغز قادر به تصمیم‌گیری در امور خود نباشد. دائمی یا موقت بودن اختلال نیز تأثیری در حجر شخص ندارد. بند ۱ ماده ۳ این قانون نیز معیارهایی برای تشخیص اهلیت مقرر نموده است. به موجب این ماده شخص در موارد زیر قادر به تصمیم‌گیری نیست: ۱. توانایی درک اطلاعات مربوط به تصمیم را نداشته باشد. ۲. توانایی حفظ اطلاعات مزبور را نداشته باشد. ۳. نتواند از اطلاعات مربوط به تصمیم‌گیری استفاده و آن‌ها را بسنجد. ۴. نتواند تصمیم خود را به هر طریقی اعم از شفاهی یا غیرشفاهی ابراز نماید.

به موجب ماده ۸.۳۲ آیین‌نامه قانون اهلیت روانی نیز برای اداره امور محجورین شخصی به عنوان قیّم انتخاب می‌شود که قابل اعتماد و توانایی لازم برای انجام وظیفه داشته باشد.

همچنین به موجب قانون اهلیت روانی شخصی که به عنوان قیم برای امور شخصی بیمار انتخاب شده ممکن است به عنوان قیم برای اداره امور مالی نیز منصوب شود. با این توضیحات و با توجه به تعریف گسترده اهلیت در این قانون و محجور تلقی شدن هر شخصی که به دلیل اختلال در عملکرد ذهن یا مغز قادر به تصمیم‌گیری در امور خود نباشد، امکان محجور دانستن بیماران نباتی در این نظام حقوقی نیز میسر است؛ زیرا این بیماران نیز به دلیل اختلال در عملکرد مغز قادر به تصمیم‌گیری در امور خود نیستند.

۳. آثار حقوقی حیات نباتی

با توجه به معیارهای مطرح‌شده در خصوص مرگ و با توجه به دیدگاه پذیرفته‌شده در خصوص وضعیت حیات بیماران نباتی، در این مبحث به برخی از مهم‌ترین آثار این وضعیت در عرصه حقوق خصوصی خواهیم پرداخت.

۳-۱. وضعیت اموال و دیون بیماران نباتی

تعیین تکلیف در خصوص اموال و دیون شخص در وضعیت نباتی از مسائلی است که پاسخ‌گویی به آن از حیث حقوقی ضرورت دارد. در صورت پذیرش مرده بودن این بیماران طبیعی است که مقررات حاکم بر ارث و وصیت در خصوص اموال و دیون اجرا خواهد شد. با توجه به دیدگاه مورد پذیرش در خصوص این بیماران در این پژوهش و زنده تلقی کردن آنها، امکان اعمال مقررات ارث و وصیت در خصوص این بیماران منتفی است. حال شدن دیون مطابق با ماده ۲۳۱ قانون امور حسبی نیز در خصوص اشخاص فوت‌شده است و در خصوص این افراد نمی‌توان پذیرفت.

با توجه به مباحث مطرح‌شده در خصوص وضعیت حقوقی بیماران نباتی در حقوق ایران، در صورت پذیرش محجور بودن بیماران با استدلال‌های مطرح‌شده، مقررات حجر در خصوص اموال و دیون نیز حاکم خواهد بود. بر خلاف حقوق ایران، تعریف گسترده حجر در آمریکا و فرانسه و انگلیس در خصوص محجور بودن این بیماران در این نظام‌های حقوقی تردید کمتری ایجاد می‌کند. از این رو قواعد حاکم بر سایر محجورین در خصوص این بیماران نیز حاکم خواهد بود.

در حقوق ایران مواد ۷۴ تا ۹۵ قانون امور حسبی به اختیارات قیم اختصاص یافته است. امکان فروش اموال ضایع‌شدنی و فروش اموال منقول، پرداخت هزینه زندگی محجور و

هزینه معالجه بیمارستان، نگهداری اشیای قیمتی و وجوه نقد از جمله اختیاراتی است که در خصوص بیماران نباتی نیز قابل اعمال است. از جمله محدودیت‌های اختیار قیّم نیز عدم امکان فروش اموال غیرمنقول مطابق با ماده ۸۳ قانون امور حسبی است. در صورت انتخاب امین نیز با توجه به ماده ۱۲۳ این قانون و با جاری نمودن احکام و کالت در این خصوص تصمیم‌گیری خواهد شد. در صورت بهبود وضعیت یا فوت بیمار نیز مسئولیت امین مرتفع شده و خود شخص یا ورّاث او به اداره اموال خواهند پرداخت.

در سایر نظام‌های حقوقی نیز می‌توان این دیدگاه را پذیرفت. به‌عنوان مثال عمومیت مقررات ناظر بر قیمومت در نظام حقوقی آمریکا می‌تواند مؤید این راه‌حل باشد. در حقوق آمریکا قیمومت یک تأسیس قانونی است که طبق آن دادگاه شخصی را برای اداره تمام یا برخی از امور شخص تحت قیمومت که فاقد توانایی اداره امور خود باشد نصب می‌کند؛^۱ بنابراین قیّم مطابق با اختیارات قانونی می‌تواند اقدام به اداره اموال و پرداخت دیون بیمار نباتی از محل اموال او کند.

در حقوق فرانسه نیز با توجه به اختیاراتی که قانون در مواد ۵۰۳ تا ۵۰۹ قانون مدنی فرانسه برای قیّم مقرر کرده، می‌توان این دیدگاه را پذیرفت. ماده ۴۹۶ این قانون نیز به بیان مسئولیت‌های کلی قیّم اختصاص یافته است. این ماده مقرر می‌دارد: «قیّم در اعمال ضروری جهت اداره دارایی شخص تحت حمایت نماینده اوست و موظّف به انجام مراقبت‌های سنجیده، مستمر و آگاهانه جهت مصلحت شخص تحت حمایت است».

در حقوق انگلیس ماده ۱۸ قانون اهلیت روانی اختیارات قیّم را مشخص کرده که در خصوص این بیماران نیز قابل اجرا خواهد بود. این ماده مقرر می‌دارد: «دادگاه یا قیّم در تمام امور مربوط به رفاه شخصی و اموال از جمله در موارد زیر اختیارات لازم را خواهد داشت: ۱. مدیریت اموال شخص؛ ۲. خرید، فروش، معاوضه، هبه و سایر طرق انتقال اموال؛ ۳. تحصیل ملک به نام شخص؛ ۴. ادامه شغل، تجارت و سایر حرفه‌های شخص؛ ۵. اتخاذ تصمیماتی که ممکن است به انحلال شرکتی شود که شخص عضو آن است؛ ۶. انجام تعهدات قراردادی شخص؛ ۷. تأدیه دیون شخص و سایر تعهدات او؛ ۸. صلح اموال شخص که به نفع وی یا سایرین باشد؛ ۹. اعمال اختیاراتی که به شخص به‌عنوان تراستی یا سایر

1. Shea, S., & Pressman, C. "Guardianship: A Civil Rights Perspective", *NYSBA Journal*, 23(2), (2018), p.19.

موارد تفویض شده است؛ ۱۰. اقامه دعوا از جانب شخص. « لازم به ذکر است که در تمامی موارد ذکر شده، قیّم و دادگاه باید بهترین منافع شخص فاقد اهلیت را دنظر بگیرند و بر مبنای آن تصمیم گیری نمایند.

۲-۳. وضعیت رابطه زوجیت بیماران نباتی

وضعیت نکاح یکی دیگر از موضوعاتی است که در خصوص بیماران نباتی واجد آثار حقوقی خواهد بود. با توجه به این که مقررات مختص این بیماران وجود ندارد، بر اساس قواعد عمومی حاکم بر نکاح در ایران و سایر نظام‌های حقوقی باید این مسئله مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد که قرار گرفتن یکی از زوجین در وضعیت نباتی چه تأثیری در انحلال یا بقا نکاح دارد.

در حقوق ایران اولین مسئله بررسی احتمال انحلال قهری و انفساخ نکاح در فرض حیات نباتی همسر است. این مسئله به‌ویژه به لحاظ محدودیت‌ها و مسئولیت‌های قانونی مربوط به چند همسری، واجد اهمیت است و در صورت عدم پذیرش انحلال قهری نکاح، ازدواج مجدد همسر فرد دارای حیات نباتی تبعات حقوقی خواهد داشت. در نظام حقوقی ایران قوانین مختص به بیماران دارای حیات نباتی یا سایر آسیب‌های مغزی وجود ندارد. ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی موارد و اسباب انحلال عقد نکاح مشخص نموده است. بر اساس این ماده عقد نکاح به فسخ یا به طلاق یا به بذل مدت در عقد انقطاع منحل می‌شود. فوت زوجین نیز از دیگر موجبات انحلال است که در صورت پذیرش دیدگاه مرده بودن بیماران نباتی، باید در خصوص این بیماران پذیرفته شود. با توجه به پذیرش دیدگاه زنده بودن بیماران نباتی در این پژوهش، انحلال نکاح به دلیل فوت در خصوص این بیماران قابل قبول نیست. در خصوص سایر اسباب انحلال از جمله فسخ و طلاق نیز با توجه به مقررات موجود می‌توان استدلال کرد که مصادیق فسخ نکاح به صراحت در ماده قانون مدنی ذکر شده‌اند. با توجه به استثنائی بودن فسخ نکاح و عدم انطباق وضعیت بیمار نباتی با موارد مندرج در ماده ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی این وضعیت از اسباب فسخ نیز نخواهد بود. با این وجود با توجه به این که مدت زمان حیات نباتی فرد نامعلوم است و این مسأله ممکن است باعث عُسر و حرج گردد، می‌توان طلاق همسر این بیمار را به استناد عُسر و حرج پذیرفت. البته این مسئله بیشتر در فرضی مطرح است که بیمار نباتی زوج باشد و زوجه در صدد طلاق باشد. همچنین می‌توان وضعیت نکاح

بیماران نباتی را با وضعیت نکاح غایب مفقودالاثر مقایسه کرد و با وحدت ملاک از مقررات غایب مفقودالاثر عمل نمود. اگرچه بیمار نباتی به هیچ وجه غایب فرض نمی‌شود، اما با توجه به مبنای حمایت از زوجه در موضوع غیبت که عدم آگاهی از وضعیت همسر موجب عسرو حرج او می‌شود، می‌توان مدت زمان پیش‌بینی شده در قانون (۴ سال) را در خصوص این بیماران نیز پذیرفت و زوجه پس از انقضای مدت ذکر شده بتواند از بیمار طلاق بگیرد. البته با سکوت قانون بعید است این تحلیل مورد تأیید رویه قضایی قرار گیرد با این وجود با توجه به تمثیلی بودن مصادق عسرو حرج، پذیرش عسرو حرج از طرف قضات به راحتی امکان‌پذیر است.

در حقوق فرانسه مطابق با ماده ۲۲۷ قانون مدنی موجبات انحلال نکاح فوت و طلاق است. همچنین به موجب مواد ۱۸۰ و ۱۸۲ قانون مدنی، موجبات بطلان نکاح نیز اشتباه در شخصیت یا اوصاف اساسی طرف، اکراه و نداشتن اجازه از کسانی که اخذ اجازه از آن‌ها لازم است. با توجه به زنده فرض شدن بیماران نباتی، انحلال به موجب فوت در فرض حیات نباتی منتفی است در صورت فوت نیز تابع قواعد خاص است. موجبات بطلان نیز قابل انطباق با وضعیت نباتی نیستند؛ بنابراین تنها راه انحلال نکاح در این فرض طلاق است. ماده ۲۳۰ قانون مدنی فرانسه سه نوع طلاق را پیش‌بینی کرده که شامل طلاق توافقی، طلاق مبتنی بر جدایی و طلاق مجازات است. البته در دکترین فرانسوی طلاق به ۴ یا ۵ نوع تقسیم شده است. در مجموع موجبات طلاق در حقوق فرانسه شامل طلاق توافقی موضوع (مواد ۲۳۰ تا ۲۳۲ قانون مدنی فرانسه)، طلاق مبتنی بر اعتراف طرفین (موضوع مواد ۲۳۳ تا ۲۳۶ قانون مدنی فرانسه) که در این نوع طلاق یکی از طرفین اقامه دعوا و غیرقابل تحمل بودن زندگی زناشویی را اثبات می‌کند. طلاق مبتنی بر تقصیر (مواد ۲۴۲ تا ۲۴۶ قانون مدنی) که در صورت تقصیر یکی از طرفین یا هر دو آن‌هاست. طلاق مبتنی بر جدایی شش سال و بیشتر که به این معنی است که طرفین حداقل باید ۶ سال از هم جدا زندگی کرده باشند و این جدایی باعث خاتمه یافتن زندگی مشترک طرفین شده باشد و طلاق مبتنی بر جنون یکی از طرفین حداقل به مدت ۶ سال که بدان معنی که وضعیت روانی همسر به قدری وخیم بوده که نه تنها در طی ۶ سال زندگی مشترک وجود نداشته، بلکه امید آن نمی‌رود که زندگی مشترک به حالت

عادی برگردد.^۱ همان‌طور که ملاحظه می‌شود وضعیت نباتی به صراحت از موجبات طلاق در حقوق فرانسه نیست. با این وجود قابلیت انطباق این وضعیت با برخی مصادیق وجود دارد. به‌عنوان مثال این وضعیت را می‌توان با جنون مقایسه کرد و استدلال کرد که در قانون عدم امید به بازگشت به حالت عادی قید شده و همین مبنا را در خصوص بیماران نباتی دائمی نیز ملاحظه نمود. همچنین در فرضی که حیات نباتی به شش سال رسیده باشد می‌تواند با وضعیت جدایی نیز منطبق دانست. با توجه به مفهوم گسترده حجر و تحلیلی که در مباحث قبل ارائه شد، بیماران نباتی تحت قیمومت یا حفاظت دادگستری قرار خواهند گرفت. در هر حال بر خلاف حقوق ایران که معیار عسرو حرج ملاک مناسب و منعطفی برای قضات برای تحت پوشش قرار دادن این وضعیت بود، مصادیق احصائی در قانون فرانسه و به‌ویژه مدت زمان پیش‌بینی شده (شش سال) در حقوق فرانسه مانع جدی برای طلاق همسر ایجاد می‌نماید.

در نظام حقوقی آمریکا اصولاً موجبات طلاق شامل طلاق مبتنی بر تقصیر و طلاق بدون تقصیر^۲ است. در طلاق مبتنی بر تقصیر عواملی مانند ترک همسر، زنا، عدم توانایی جنسی، خشونت، محکومیت به مجازات زندان، اعتیاد به الکل و مواد مخدر تقصیر تلقی شده است. در طلاق بدون تقصیر لازم است اثبات شود که زوجین امکان سازش و حل اختلافات خود را ندارند و هیچ‌امیدی برای اصلاح رابطه نیز وجود ندارد. این نوع طلاق در مواردی نیز امکان‌پذیر است که طرفین برای مدت نسبتاً طولانی جدا از هم زندگی کرده باشند. در هر حال اگرچه با توجه به فدرالی بودن نظام قضایی آمریکا تفاوت‌هایی نیز در این خصوص در ایالات مختلف وجود دارد و مطابق با الحاقیه ۱۰ قانون اساسی فدرال آمریکا تقنین قوانین مربوط به ازدواج و طلاق و ملحقیات آن‌ها به قانون‌گذار ایالتی واگذار شده است، اما اکثر ایالات طلاق بدون تقصیر را پذیرفته‌اند. البته برخی ایالات محدودیت‌هایی از جمله محدودیت زمانی برای زندگی مشترک قائل شده‌اند. همچنین برخی ایالات عدم اهلیت روانی و دیوانگی را از موارد مستقل برای درخواست طلاق می‌دانند. در سال ۱۹۴۹ بیست‌وشش ایالت عدم اهلیت روانی و جنون را به‌عنوان موردی برای درخواست طلاق در قوانین خود پیش‌بینی کردند.^۳ به‌عنوان مثال در کالیفرنیا موارد درخواست انحلال ازدواج

1. Ferrand, F, "Grounds for Divorce & Maintenance Between Former Spouses", National Report, (2002), p.5.

2. No-Fault Divorce

3. Mossman, D., & Shoemaker, A, "Incompetence to Maintain a Divorce Action: When Breaking Up is Odd to Do", *St. John's law review*, 84, (2010), 136.

به طور کلی به شرح ذیل است؛ (۱) اختلافات غیر قابل حل که موجب شکست کامل ازدواج شده؛ (۲) عدم اهلیت دائمی برای تصمیم‌گیری». همچنین ازدواج‌های قابل ابطال در نظام حقوقی آمریکا شامل تدلیس، اکراه، عدم اهلیت روانی، اعمال نفوذ ناروا، ازدواج صوری و ازدواج زیر سن قانونی است.^۱ با این توضیحات واضح است که امکان ابطال نکاح در حیات نباتی وجود ندارد. به نظر می‌رسد مفهوم طلاق بدون تقصیر از مفاهیمی است که می‌تواند قالب مناسبی برای انطباق با وضعیت نباتی باشد و با پذیرش مفهوم طلاق بدون تقصیر و واگذار کردن احراز مصادیق آن به قاضی امکان پذیرش طلاق در این نظام حقوقی به علت حیات نباتی یکی از زوجین وجود داشته باشد. مقایسه با وضعیت بیماران روانی و به‌ویژه عبارت عدم اهلیت دائمی نیز از جمله مبانی دیگری است که می‌تواند پذیرش طلاق در وضعیت حیات نباتی امکان‌پذیر سازد.

مفهوم طلاق بدون تقصیر در حقوق انگلیس نیز مطرح است. ماده ۱ «قانون علل زناشویی»^۲ اصلاحی مصوب ۲۰۲۰ مقرر می‌دارد: «یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها می‌توانند به دادگاه رجوع و با اثبات این که ازدواج به طور کامل شکست خورده از دادگاه درخواست صدور دستور طلاق نمایند. درخواست کنندگان باید ادعای خود را مبنی بر شکست کامل ازدواج طی بیانیه‌ای به دادگاه تقدیم و دادگاه باید بیانیه مزبور را به‌عنوان ادله قطعی به‌عنوان شکست کامل ازدواج قبول کرده و دستور طلاق را صادر کند». همچنین به موجب ماده ۱۲ قانون علل زناشویی، علل قانونی برای قابلیت ابطال نکاح در حقوق انگلیس شامل فقدان قصد، اکراه، اشتباه، اختلال مشاعر، تدلیس، اختلال روانی، بیماری مقاربتی، حاملگی از شخص دیگر و ازدواج صوری است.^۳ لازم‌به‌ذکر است که قابلیت ابطال نکاح زمانی است که یکی از موارد فوق در زمان انعقاد عقد نکاح وجود نداشته باشد؛ لذا بروز اختلال روانی پس از انعقاد صحیح عقد نکاح از موجبات ابطال نکاح نیست. به نظر می‌رسد مصادیق ذکر شده در خصوص ابطال نکاح قابل انطباق با مفهوم حیات نباتی نیستند، اما وضعیت نباتی یکی از زوجین می‌تواند از موجباتی باشد که قابل انطباق با مفهوم طلاق بدون تقصیر هستند.

1. Turnipseed, T, "How Do I Love Thee, Let Me Count the Days: Deathbed Marriages in America", *Kentucky Law Journal*, 96 (275), (2008), p.281.

2. Matrimonial Causes Act 1973.

3. Herring, J, *Family Law*, (London, Pearson Education Limited, 2015), p. 85

۳-۳. وضعیت قراردادهای بیماران نباتی

در صورت پذیرش دیدگاه مرده بوده بیماران نباتی طبیعی است که وضعیت قراردادهای این بیماران در قالب مقررات مربوط به موت تحلیل شود و با توجه به خاتمه شخصیت فرد در فرض موت، قراردادهای مالی به ورثه منتقل خواهند شد و قراردادهای غیرمالی منسوخ خواهند شد. با توجه به پذیرش دیدگاه زنده بودن این بیماران، وضعیت قراردادهای آنها از این دیدگاه باید مورد تحلیل قرار گیرند.

اصل لازم‌الاجرا بودن قراردادها در کلیه نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. مطابق این اصل افراد باید پای‌بند به تعهدات و توافقات خود باشند و آنها را محترم و لازم‌الاجرا بشمارند. این اصل همواره با استثنائاتی مواجه شده است. گاه در برخی قراردادها شرایط و اوضاع و احوالی پدیدار می‌شود که اجرای تعهدات قراردادی را متأثر می‌سازد. وضعیت حیات نباتی بیمار از جمله مصادیقی است که از این منظر باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین تبیین وضعیت حقوقی عقود و قراردادهایی که بیماران نباتی قبل از بیماری با دیگران منعقد نموده، واجد اهمیت است.

در حقوق ایران با توجه به آثار حقوقی متفاوت عقود جایز و لازم باید به تبیین وضعیت حقوقی این قراردادها پرداخت. در عقود جایز با توجه به زنده محسوب شدن بیماران نباتی امکان فسخ عقد به لحاظ فوت وجود ندارد، با این وجود با توجه به این که در عقود جایز حق فسخ قرارداد در هر شرایطی برای طرفین وجود دارد، اصولاً در این زمینه به لحاظ عملی مشکلی وجود نخواهد داشت و طرف مقابل قرارداد می‌تواند در این شرایط اقدام به فسخ کند. برخی حقوق‌دانان داخلی اثر این وضعیت را در خصوص عقود اذنی مورد بررسی قرار داده و با توجه به وضعیت بیمار معتقد بر انفساخ عمل حقوقی مبتنی بر اذن هستند؛ زیرا در چنین وضعیتی به دلیل عدم عملکرد قشر مغز، بیمار فعالیت ارادی و توانایی حمایت از اذن را ندارد و ادامه اعتبار عمل حقوقی مبتنی بر اذن منتفی است.^۱ در فقه نیز اکثر فقها تاثیر اگما را در برخی عقود جایز مانند وکالت و ودیعه مورد توجه قرار داده و آن از موجبات بطلان

۱. ابراهیمی، آر.ش. «اثر کاهش محتوای هوشیاری بر عقود اذنی»، فصلنامه فقه پزشکی، ۴۵ (۱۳، ۱۴)، (۱۳۹۲)، ص ۱۰۳.

(انفساخ) دانسته‌اند.^۱ به نظر می‌رسد با توجه به مشابهت وضعیت اغما با حالت نباتی در وضعیت هوشیاری این حکم را در خصوص حیات نباتی نیز می‌توان پذیرفت.

در عقود لازم با توجه به تحلیل زنده بودن بیماران نباتی و با توجه به اصل لزوم قراردادها امکان فسخ به علت حیات نباتی وجود ندارد. با این وجود با توجه به احتمالی بودن روند بهبودی این بیماران به ویژه در وضعیت حیات نباتی دائم حفظ حقوق قراردادی طرف قرارداد ضروری است و در صورت عدم پیش‌بینی طرفین در قرارداد در قالب شرط فسخ، راهکار قانونی لازم است. با توجه به بقای قرارداد مسأله اصلی در این خصوص اجرای تعهدات قراردادی است. در واقع از یک طرف قائم مقامی ورثه صرفاً در حالت فوت پذیرفته شده و این بیماران را مرده نمی‌دانیم. از طرف دیگر وضعیت بیمار به گونه‌ای است که امکان اجرای تعهدات وجود ندارد. در فقه این وضعیت در قاعده «بطلان کلّ عقد، بتعذر الوفاء بمضمونه» تبیین می‌شود. مطابق با این قاعده هر عقدی که وفا به مضمون آن متعذر و ناممکن باشد، باطل است. منظور از بطلان در این قاعده اعم از بطلان ذاتی و ابتدایی و انفساخ است. ملاک اجرای این قاعده متعذر بودن دائمی انجام تعهد است. این قاعده در حقوق ایران تحت عنوان تعذر اجرای قرارداد مطرح و زمانی اعمال می‌گردد که متعهد به دلیل وجود علت خارجی، قادر به ایفای تعهد نباشد. ماده ۲۲۷ قانون مدنی در این خصوص مقرر می‌دارد که: «متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود». هم‌چنین ماده ۲۲۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که رفع آن خارج از حیطه اقتدار اوست، نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود». در خصوص انطباق این وضعیت با حالت نباتی، مسئله اصلی تشخیص علت خارجی بودن یا فورس ماژور بودن این وضعیت است. عمدتاً سه شرط خارجی بودن، غیرقابل اجتناب بودن و غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه برای تحقق فورس ماژور مطرح است که به نظر می‌رسد وضعیت نباتی را بتوان با چنین شرایطی منطبق دانست؛ بنابراین با توجه به قاعده فقهی اخیر و مقررات موجود در

۱. یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، طباطبایی، محمد حسین: تکملة العروة الوثقی، ج ۱ (قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۴)، ص ۱۲۵ / موسوی خمینی، روح‌الله. ترجمه تحریر الوسیله (نشر آثار) ج ۲، (تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵)، ص ۴۵ / خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ج ۲ (قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰)، ص ۲۰۰.

حقوق ایران در این خصوص می‌توان پذیرفت که در حیات نباتی دائمی در تعهدات قائم به شخص از باب تعدّر اجرا، قرارداد منفسخ است. در تعهدات مالی با توجه به امکان اجرای از محل اموال می‌توان با مقایسه با مفاهیم مشابه مانند حجر و عجز اقدام به تعیین امین یا قیم نمود و اجرای قرارداد از محل اموال او صورت گیرد. همچنین در صورتی که وضعیت ایجادشده با یکی از اسباب فسخ نیز منطبق باشد، امکان فسخ قرارداد مطابق قواعد عمومی وجود دارد. در خصوص بیماران نباتی موقت که امید به بهبودی آنها وجود دارد، وضعیت نباتی را می‌توان از اسباب تعدّر موقت در حقوق ایران دانست. در این خصوص در قوانین صراحتاً تعیین تکلیف نشده و اختلاف نظرهایی وجود دارد، اما پذیرش دیدگاه فسخ قرارداد از حیث حفظ حقوق قراردادی طرفین مرجح است.^۱

مشابه حقوق ایران در سایر نظام‌های حقوقی نیز قوانین مختص بیماران نباتی یا وضعیت‌های مشابه وجود ندارد و برای تحلیل وضعیت قراردادهای این بیماران لازم است قواعد عمومی قراردادها بررسی شود. در نظام‌های حقوقی مختلف این موضوع را می‌توان از باب اسباب تعدّر اجرای قرارداد مورد بررسی قرار داد که در قالب نظریاتی مانند فورس ماژور و فراستریشن مطرح شده است. نظریه فورس ماژور یک اصطلاح فرانسوی است. علی‌رغم برخی تفاوت‌ها درباره شرایط تحقق فورس ماژور، کلیت این نظریه مورد پذیرش اکثر نظام‌های حقوقی است. حتی در کشورهای تابع نظام کامن‌لا از جمله آمریکا، گرچه اصطلاح فورس ماژور به کار نرفته است، اما مسائل و موارد آن تحت عنوان فراستریشن، انتفای قرارداد یا عدم امکان مطرح می‌گردد. اگرچه این نهادهای حقوقی از لحاظ نظری با فورس ماژور متفاوت هستند و قلمروی وسیع‌تری نیز دارند، اما نتایج حاصل از آن مشابه فورس ماژور است. در بیان مفهوم فورس ماژور باید گفت که هر حادثه خارجی غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب که مانع اجرای تعهد باشد فورس ماژور است، چه این حادثه، طبیعی باشد و چه عمل شخص ثالث و متعهدله باشد. به موجب پاراگراف دوم ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی فرانسه نیز اگر متعهد به دلیل فورس ماژور به طور موقتی قادر به اجرای تعهد خود نباشد، تعهد او معلق می‌شود. با توجه به چنین مفهومی از فورس ماژور در حقوق فرانسه به نظر می‌رسد در وضعیت

۱. برای مطالعه دیدگاه‌های مختلف مراجعه شود به: پارساپور، محمدباقر؛ ذاکری‌نیا، حانیه. «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد، مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، رومی ژرمنی، کامن‌لا و برخی اسناد بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۹(۲)، (۱۳۹۴)، ۲۵-۵۰.

حیات نباتی با توجه به غیرقابل پیش‌بینی بودن وضعیت در زمان انعقاد قرارداد در تعهدات قائم به شخص باید قائل به غیرممکن شدن اجرای قرارداد شد، اما در سایر تعهدات با توجه به امکان اجرای تعهد از محل اموال، به نظر می‌رسد باید بر اساس اصل لزوم عمل و صرفاً در صورت پیش‌بینی حق فسخ در قرارداد، امکان فسخ وجود خواهد داشت. همچنین در حیات نباتی موقت باید پذیرفت تعهد تا زمان رفع فورس‌ماژور (وضعیت نباتی) معلق خواهد ماند. نظریه فراستریشن یا عقیم شدن قرارداد نظریه حاکم بر حقوق انگلیس در موارد تغییر اوضاع و احوال است. در برخی اوضاع و احوال حادثه‌ای پس از انعقاد قرارداد به وقوع می‌پیوندد که اجرا را در ماهیت و اساس از آنچه که اساساً برعهده گرفته شده بود، متفاوت می‌کند. در این موارد گفته می‌شود که قرارداد به دلیل عقیم شدن خاتمه می‌یابد و طرفین از اجرای تعهدات قراردادی خود بری می‌شوند. از مهم‌ترین مصادیق غیرممکن شدن مادی اجرای قرارداد در حقوق انگلیس از بین رفتن موضوع قرارداد، مرگ یا عدم اهلیت در قراردادهای قائم به شخص، خارج از دسترس شدن، بیماری در قراردادهای ارائه خدمات شخصی یا قراردادهایی که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد، ازدست رفتن منابع خاص در مواردی که کالا باید از آن منبع تأمین شود، غیرممکن شدن طرق اجرا و تغییر اساسی در اوضاع و احوال است. مطابق این نظریه، **راه‌حل** انفساخ قرارداد است. با این وجود در برخی موارد متناسب با شرایط ممکن است تعذر موقت ایجاد شود که در این فرض انفساخ قرارداد صرفاً در فرضی است که اجرای قرارداد به‌طور بنیادین تحت تأثیر قرار گیرد. نمونه بارز این وضعیت قراردادهای کار هستند. بیماری و ازدست دادن اهلیت کارگر از مواردی است که طبق آن قرارداد کار منفسخ می‌شود. البته برای انفساخ قرارداد باید بیماری یا عدم اهلیت به نحوی باشد که پس از گذشت مدتی، اجرای قرارداد به‌طور کلی غیرممکن شود؛ لذا مدت زمانی که کارگر بیمار یا فاقد اهلیت است عنصر اصلی انفساخ قرارداد است.^۱ طبیعی است که این وضعیت انطباق کامل با حیات نباتی دارد و اگر امید به بهبودی بیمار وجود نداشته باشد، راه‌حل انفساخ قرارداد را باید پذیرفت.

اگرچه نظریه عقیم شدن ناظر به تعذر دائمی است و تعذر موقت را شامل نمی‌شود، اما تعذر موقت در صورتی که جنبه اساسی داشته باشد حق فسخ ایجاد می‌کند؛^۲ بنابراین در فرض

1. Guthrie, R, & Meredith, F, "Long-Term Employee Illness and Frustration of the Contract of Employment", *Journal of Industrial Relations*, 49(1), (2007), p 88.

۲. پارساپور، پیشین، ص ۲۰.

حیات نباتی موقت نیز با توجه به شرایط قرارداد در صورت تحقق شرایط می‌توان قائل به فسخ شد.

تعدّر اجرای قرارداد در حقوق آمریکا نیز به معنای عدم امکان انجام قرارداد است. در این نظام حقوقی منظور از عدم امکان، عدم امکان مطلق است و حادثه‌ای تعدّر تلقی می‌شود که باعث عدم امکان اجرای تعهد برای همه باشد و نه فقط متعهد. از این رو در تعهدات قائم به شخص، نابود شدن موضوع تعهد، مرگ و حجر دائم از اسباب معافیت است. همچنین در رویه قضایی آمریکا، بیماری متعهد با داشتن شرایطی از معاذیر قانونی حساب شده است. البته در این فرض باید عواملی مانند شرایط قرارداد، نوع قرارداد، مدت قرارداد، نوع و مدت بیماری، میزان احتمال بهبودی در نظر گرفته شود.^۱ در صورت تعدّر موقت نیز قرارداد تا رفع مانع به حالت تعلیق درمی‌آید. با توجه به این قواعد و توجه به این که وضعیت حیات نباتی به صورت غیرقابل پیش‌بینی اتفاق افتاده است می‌توان این وضعیت را از مصادیق تعدّر در حقوق آمریکا به حساب آورد و انحلال قرارداد را در قراردادهای قائم به شخص پذیرفت.

نتیجه

آسیب‌های مغزی اشکال مختلفی دارند که علی‌رغم تشابهات ظاهری، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای نیز با یکدیگر دارند. حیات نباتی از جمله آسیب‌های مغزی است که به لحاظ شرایط خاص بیمار از جمله داشتن تنفس و حرکات غیرارادی تفاوت‌هایی با سایر آسیب‌های مغزی مانند گما و مرگ مغزی دارد. همین مسئله ضرورت تبیین وضعیت حقوقی این بیماران را واجد اهمیت می‌نماید. حیات نباتی در قوانین موضوعه هیچ نظام حقوقی به‌طور خاص مورد توجه قرار نگرفته است. در رویه قضایی برخی نظام‌های حقوقی از جمله آمریکا و انگلیس نشانه‌هایی از توجه به برخی ابعاد این وضعیت ملاحظه می‌شود. در رویه قضایی ایران نیز مسئله دیه این بیماران مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل ابعاد مهم حقوقی این بیماران در زمینه حقوق خصوصی از جمله موضوعات مهمی است که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفته است.

۱. برای مطالعه در این خصوص مراجعه کنید به: دارائی، محمدهادی، «مطالعه تطبیقی معاذیر اجرای قرارداد در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، ۶(۱)، (۱۳۹۴)، صص ۱۰۷-۱۵۰.

مسئله اصلی در خصوص این بیماران تحلیل وضعیت حقوقی آن‌ها از حیث زنده یا مرده بودن است که در این پژوهش به آن پرداخته شد. دو دیدگاه اصلی در خصوص وضعیت حیات و ممات این بیماران در نظام‌های حقوقی مختلف وجود دارد. علی‌رغم این که هر یک از نظریات مطرح شده قسمتی از واقعیت موجود در خصوص وضعیت بیماران نباتی را به تصویر می‌کشد، اما پیچیدگی مفهوم مرگ و وضعیت خاص بیماران نباتی اظهار نظر قاطع در خصوص مرده یا زنده بودن این افراد را با تردیدهایی مواجه کرده است. تأکید بر فعالیت ساقه مغز در این بیماران که مانع انطباق آن با مفهوم پزشکی مرگ (مرگ مغزی) می‌شود و توجه به موضوعات حقوق بشری از جمله ضرورت احترام به حیات افراد و تکالیف دولت‌ها در پرداخت هزینه‌های نگهداری و معالجه بیماران از جمله دلایل طرفداران زنده بودن این بیماران است. در حقوق ایران نیز با توجه به مفهوم عرفی و مفهوم شرعی و فقهی مرگ (خروج روح از بدن) و با استصحاب حیات این بیماران این دیدگاه مورد تأیید قرار گرفت. تأکید بر آسیب‌های مغزی که موجب از بین رفتن غیرقابل برگشت آگاهی و اراده در این بیماران شده از جمله دلایلی است که مورد استناد طرفداران مرده بودن این بیماران قرار گرفته است. در این پژوهش ضمن تحلیل و بررسی دیدگاه‌های مختلف به لحاظ سکوت قوانین موضوعه با وحدت ملاک از مقررات حجر به تبیین وضعیت حقوقی این بیماران پرداختیم. در حقوق ایران با تحلیلی که از جنون حقوقی در مقایسه با جنون پزشکی مطرح شد و با قائل شدن مفهوم گسترده برای جنون به معنای هر اختلال عقلی، وضعیت بیماران نباتی با احکام حجر منطبق گردید و مقررات حاکم بر محجورین بر بیماران نباتی اعمال شد. تعریف گسترده اهلیت و حجر در قوانین آمریکا، انگلیس و فرانسه نیز امکان انطباق وضعیت بیماران نباتی را با محجورین در این نظام‌های حقوقی میسر می‌سازد. با توجه به دیدگاه پذیرفته شده، علی‌رغم برخی تفاوت‌ها در خصوص اموال و قراردادهای و دیون و نکاح نیز راه‌حل‌های نسبتاً مشابهی در اکثر نظام‌های مورد مطالعه وجود دارد. انتخاب قیّم یا امین و واگذاری امور مالی به آن‌ها، امکان درخواست طلاق به دلیل شرایط ایجاد شده از طرف همسر بیمار نباتی، انفساخ قراردادهای قائم به شخص از جمله مهم‌ترین احکامی است که در نظام‌های مورد مطالعه قابل پذیرش است.

ORCID

Nahid safari



<http://orcid.org/0000-0003-2007-0674>

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، آرش، «اثرکاهش محتوای هوشیاری بر عقود اذنی»، فصلنامه فقه پزشکی، سال ۴۵، شماره ۱۳ و ۱۴ (۱۳۹۲).
- انصاری، احمد؛ توجهی، عبدالعلی؛ قره‌داغی، جابر، «چالش‌های اجتماعی بیماران حیات نباتی و راهکارهای حقوق جزا برای آن»، نشریه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۱۲ (۱۴۰۰).
- آقابابایی‌بنی، اسماعیل، «تداخل دیات در جنایت منجر به زندگی نباتی»، فصلنامه فقه پزشکی، سال ۶، شماره ۱۹ و ۱۸ (۱۳۹۳).
- بسامی، مسعود؛ بسامی، حسین، «جنون؛ از آثار حقوقی تا پیامدهای کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، سال ۳، شماره ۸ (۱۳۸۸).
- پارساپور، محمدباقر؛ ذاکری‌نیا، حانیه، «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد، مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران، رومی ژرمنی، کامن‌لا و برخی اسناد بین‌المللی»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۹، شماره ۲ (۱۳۹۴).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۱، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸).
- جیت‌سازیان، مرتضی؛ حسنی‌نیا، حامد، «بررسی و مقایسه حالت اغماء با بیهوشی عمومی و مرگ مغزی در فقه و حقوق ایران»، فصلنامه فقه و حقوق خصوصی، سال ۳، شماره ۵ (۱۳۹۹).
- حائری مهریزی، محمود؛ نصیری رضی، ولی‌الله، «تأثیر اغما بر قرارداد و کالت در فقه و حقوق ایران» مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال ۳، شماره ۴ (۱۳۹۰).
- دارائی، محمدهادی، «مطالعه تطبیقی معاذیر اجرای قرارداد در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱ (۱۳۹۴).
- رحمتی، محمد؛ عباسی، محمود، «بررسی وضعیت حیات نباتی از منظر حقوق کیفری»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۶، شماره ۲۱ (۱۳۹۱).
- سرگزی‌پور، مجتبی؛ کیخا، محمدرضا؛ آبین، علیرضا، «واکاوی وضعیت حجر مبتلایان به اغمای خارج از کنترل در فقه امامیه و حقوق ایران»، مجله فقه پزشکی، دوره ۱۱، شماره ۴۰-۴۱ (۱۳۹۸).
- سیاهبیدی کرمانشاهی، سعید؛ خدادادی، جواد، «اداره اموال فرد در وضعیت «حیات نباتی»، فصلنامه تعالی حقوق، دوره ۸، شماره ۲ (۱۴۰۱).

- عسگری پور، حمید؛ نقی زاده باقی، المیرا، «ضوابط تعیین دیه اشخاص واجد زندگی نباتی»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۶، شماره ۲۱ (۱۳۹۱).
- فراست، جعفر؛ ازریتون، سجاد؛ امینی، کامروز؛ محمد، سعادت نشان، «چالش‌های زوال منافع در بیماران حیات نباتی از منظر پزشکی، فقه و حقوق»، مجله پزشکی قانونی ایران، دوره ۲۷، شماره ۱ (۱۳۹۹).
- قربانی، مرضیه؛ شادمان‌فر، محمدرضا؛ قدوسی، آرش، «بررسی نحوه تعیین دیه در مصدومین منتهی به زندگی نباتی از دیدگاه قضات و پزشکان قانونی»، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۸، شماره ۲-۳ (۱۳۹۱).
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقلد ماتی حقوق مدنی: اعمال حقوقی- قرارداد- ایقاع، چ ۱۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵).
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، چ ۷، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵).
- محسنی، الهه، اشخاص و خانواده در قانون مدنی فرانسه، چ ۱، (تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵)
- میرالوندی، شهلا؛ فهرستی، زهرا؛ فتحی، طاها، «امکان توسعه محجوریت به مصادیقی از جوامع امروزی»، نشریه قانون یار، دوره ۵، شماره ۱۷ (۱۴۰۰).
- نظری توکلی، سعید، «تفاوت مرگ مغزی با حیات غیرمستقر»، نشریه مقالات و بررسی‌ها، دوره ۳۶، شماره ۱ (۱۳۸۲).

References In Persian

- Ebrahimi, Arash, "The result of reducing of consciousness content on permission contracts", *Journal of medical jurisprudence*, year 45, numbers 13 and 14 (2013).
- Ansari, Ahmed; Tavajohi, Abdol Ali, Qaredaghi, Jaber, " Social challenges of plant life patients and criminal law solutions for it ", *Journal of Iranian Political Sociology*, Volume 5, Number 12 (2023).
- Agha Babaei Bani, Ismail, " Diat interference in the crime leading to vegetative life", *Medical Jurisprudence Quarterly*, Year 6, Number 19 and 18 (2013).
- Basami, Massoud; Bassami, Hossein, " Insanity" From Legal effects to penal consequences ", *Medical Law journal*, Year 3, Number 8 (2009).
- Parsapour, Mohammad Bagher; Zakarinia, Haniyeh, "Sorts, Provisions and Effects of Non-performance Contract Excuses (Comparative Study on Iranian Legal System, Romano-Germanic, Common Law and Some

- International Instruments", *Comparative Law Research Quarterly*, Volume 19, Number 2 (2015).
- Jafari Langeroudi, Mohammad Jaafar, *Legal Terminology*, Volume 1, (Tehran: Ganj Danesh, 1999).
- Chitsazian, Morteza; Hasaninia, Hamed, "Investigation and Comparison of Coma with General Anesthesia and brain death in Iranian jurisprudence and law", *Fiqh and Private Law Quarterly*, year 3, number 5 (2021).
- Haeri Mehrezi, Mahmoud; Nasiri Razi, valiullah, "Effect of Unconsciousness on Attorney Contract in Jurisprudence and Law of Iran" *Studies in Islamic jurisprudence and law*, year 3, number 4 (2017).
- Darai, Mohammad Hadi, "Doctrine of Frustration of Contract in English, American and Iranian Law (Comparative Study)", *Journal of Comparative Law Studies*, Volume 6, Number 1 (2015).
- Rahmati, Mohammad; Abbasi, Mahmoud, " Study of vegetable life from point of criminal law ", *Medical Law Quarterly*, Volume 6, Number 21 (2012).
- Sargazipour, Mojtabi; Keykha, Mohammad Reza; Abin, Alireza, "Investigating the status of Individuals suffering from an out of Control Coma Interdiction in Imamieh Jurisprudence and Iranian Law", *Medical Jurisprudence*, Volume 11, Number 40-41 (2019-2020).
- Siahbidi Kermanshahi, Saeed; Khodadadi, Javad, " Managing a person's property in a "vegetative state", *Culmination of law Quarterly*, Volume 8, Number 2 (2022).
- Askaripour, Hamid; Naghizadeh Baghi, Elmira, "Rules for determination of the Blood Moneys Persons' in Vegetative state", *Medical Law Quarterly*, Volume 6, Number 21 (2012).
- Farasat, Jafar; Azariton, Sajjad; Amini, Kamrooz; Saadatneshan, Mohammad, "Challenges of the five senses in vegetatative state patients from the perspective of medicine, *Jurisprudence and law*", *Iranian Journal of Forensic Medicine* , Volume 27, Number 1 (2021).
- Ghorbani, Marziyeh; Shadmanfar, Mohammad Reza; Qodoosi, Arash, " The Survey of Manner of Determining Amounts of Blood Money in Brain Death Injuries from the Judges and Coroner Physicians Viewpoint", *Iranian journal of Forensic Medicine*, Volume 18, Number 2-3 (2012).
- Katouzian, Naser, *Introductory Course of Civil Laws: Legal Practices - Contracts - Iqaa*, 11th edition, (Tehran: Sahami Enteshar Company, 2006).
- Katouzian, Nasser, *General Rules of Contracts*, Vol. 2, 7th edition, (Tehran: Sahami Enteshar Company, 2006).
- Mohseni, Elaha, *Persons and Family in French Civil Law*, Vol. 1, (Tehran: Khorsandi Publications, 2015).

Miralvandy, Shahla; Fehrest, Zahra; Fathi, Taha, " The Possibility of Development of Interdiktion to Examples from Today's Societies", *Journal of Qonun Yar*, Volume 5, Number 17 (2023).

Nazari Tavakoli, Saeed, "The difference between brain death and unstable life", *Journal of Articles and Reviews*, Volume 36, Number 1 (2012).

ب) عربی

حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی. *العناوین الفقہیہ*، (قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۷).
شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام الى تنقيح الشرايع اسلام*، ج ۴، (قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳).

شهید ثانی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۵، (قم، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۳)
حلی، جعفر بن حسن. *شرايع الاسلام في مسایل الحلال والحرام*، ج ۲. (قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸).
موسوی خوئی، ابوالقاسم. *منهاج الصالحین*، ج ۲ (قم: مدینه العلم، ۱۴۱۰).
موسوی خوئی، ابوالقاسم. *مبانی تکلمه المنهاج*، (بغداد، جامعه بغداد، ۱۴۲۲).
موسوی خمینی، روح الله. *ترجمه تحریر الوسيله (نشر آثار)*، ج ۲، (تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵).

نجفی، شیخ محمد حسن. *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*، ج ۲۶ (بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۳۶۲).

نجفی، شیخ محمد حسن. *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*، ج ۴۲ (بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۳۰).

نجفی، شیخ محمد حسن. *جواهر الکلام فی شرح شرايع الاسلام*، ج ۲۹ (بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۳۶۲).

یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، طباطبایی، محمد حسین. *تکملة العروه الوثقی*، ج ۱ (قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۴).

یزدی، محمد کاظم، *ملحقات العروه الوثقی*، ج ۱ (قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۴).

علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۲، (قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۸).

پ) انگلیسی

Brussel, L., & Carpentier, N, *The Social Construction of Death*, (United Kingdom, Palgrave Macmillan, 2014).

Ferrand, F, "Grounds for Divorce & Maintenance Between Former Spouses", *National Report*, 65, (2002).

- Guthrie, R., & Meredith, F, “Long-Term Employee Illness and Frustration of the Contract of Employment”, *Journal of Industrial Relations*, 49(1), (2007), pp 87-101.
- Herring, J, *Family Law*, (London, Pearson Education Limited, 2015).
- Mossman, D., & Shoemaker, A, “Incompetence to Maintain a Divorce Action: When Breaking Up is Odd to Do”, *St. John's law review*, 84, (2010), pp.117-195.
- Shea, S., & Pressman, C, “Guardianship: A Civil Rights Perspective”, *NYSBA Journal*, 23(2), 2018, 19-25.

Article II.

- McCorristine, S, *Interdisciplinary Perspectives on Mortality and its Timings: When is Death?*, (United Kingdom: Cambridge University Press, 2017).
- Turnipseed, T, “How Do I Love Thee, Let Me Count the Days: Deathbed Marriages in America”, *Kentucky Law Journal*, 96 (275), (2008), pp 275-302.
- Swiss Institute of Comparative Law, *Comparative Study on the Legal Systems of the Protection of Adults Lacking Legal Capacity*. (Policy Department C Citizens' Rights and Constitutional Affairs, 2008).
- Van erp, W., & Van de laar, F., & Laureys, S., & Lavrijsen, JU., & Vos, P E., & Koopmans, R., “The Vegetative State/Unresponsive Wakefulness Syndrome: A Systematic Review of Prevalence Studies”, *European Journal of Neurology*,” 21(11), (2014), pp 1361-1368.
- Yang, L., & Zhang, L, “On Legal Personality of Human Vegetables and Protection of Their Rights”, *Frontiers of Law in China*, 2, (2007), pp 586-615.

استناد به این مقاله: صفری، ناهید. (۱۴۰۲). مطالعه تطبیقی آثار حقوقی حیات نباتی در حوزه حقوق خصوصی. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۱(۴۲)، ۱۰۹-۱۴۳. doi: 10.22054/jplr.2023.57780.2513



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.